نشریه علمی مطالعات انقلاب اسلامی
سال ۱۶، بهـار ۹۸، شماره ۵۶
مقاله علمی ـ پژوهشی
صفحات: ۴۶ ـ ۳۱

Scientific Journal
ISLAMIC REVOLUTION STUDIES
Vol. 16, Spring 2019, No. 56
Scientific Research Article

صورت‌بندی تأثیر مناقشات کلام سیاسی بر رقابت‌های سیاسی با تأکید بر دوره تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران (سال‌های ۱۳۶۸ ـ ۱۳۶۰)

علی آقاجانی*

چکیده

بررسی ابعاد و روند تأثیر مناقشات کلام سیاسی بر رقابت‌های سیاسی در دوره تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸ ـ ۱۳۶۰)، محور مقاله است. برای این منظور با تصرفاتی در روش اسکینر جهت بررسی زمینه‌های ذهنی و عینی؛ و تقسیم‌بندی دیوید ساندرز در چهره‌های ثبات و بی‌ثباتی، در واکاوی تأثیر مناقشات بر رقابت‌های سیاسی بهره‌برداری شده است. ضمن بررسی مناقشات کلامی ـ سیاسی اسلام و عدالت اجتماعی، اسلام و کارآمدی، مشروعیت حکومت و حاکمیت مردم در اسلام و آزادی در اسلام، به نظر می‌رسد که مناقشه اسلام و عدالت اجتماعی، اساسی‌ترین مناقشه تأثیرگذار بر این دوره است. در این دوره دستگاه فکری چپ مذهبی و راست مذهبی از دل اسلام‌گرایان حاکمیت بیرون آمدند. لیبرال‌های اسلامی نیز دستگاه فکری فعال در خارج از حاکمیت است. تأثیر مناقشات بر رقابت‌ها نیز به صورت مستقیم و غیرمستقیم و هر کدام به شکل حداکثری و حداقلی بوده است.

واژگان کلیدی

کلام سیاسی، رقابت سیاسی، جمهوری اسلامی، تاریخ معاصر.

*. دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی، پژوهشگر حوزه و مدرس دانشگاه قم.
aqajaniqanad@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱/۵
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۸

طرح مسئله

عمده جناح‌های سیاسی مؤثر در نظام جمهوری اسلامی ایران، از همان ابتدای انقلاب، نوعی وابستگی دینی و ترکیبی از اندیشه‌های دینی را در تفکر خود داشته‌اند. از این‌رو انواع تفاسیر و تعابیر دینی از زندگی سیاسی، به کانون و محور رقابت‌های سیاسی بدل گشت. از میان این مسائل دینی، به‌نظر می‌رسد که مؤلفه‌ها و مناقشات کلام سیاسی، گرانیگاه رقابت‌های سیاسی، موجب تشکیل و فروپاشی ائتلاف‌ها و تعارض‌های سیاسی بوده است، به‌گونه‌ای که مناقشاتِ پیرامون آن و عدم اجماع نسبی درباره آن، یکی از عوامل مهم بی‌قاعدگی‌های رقابت سیاسی در جمهوری اسلامی است.

البته بدین نکته باید توجه داشت که اولاً کلام سیاسی منفک از ایدئولوژی است و ایدئولوژی سیاسی را نمی‌توان کلام سیاسی تلقی کرد، ثانیاً رقابت‌های سیاسی، برخاسته از عوامل متعدد، به‌ویژه بازیگری‌های عرصه قدرت است اما به‌جز برخی عوامل سیاسی قدرت، ریشه در باورها و تلقی‌های فکری جریان‌ها دارد. براین‌اساس این مقاله درپی آن است تا فرایند تأثیر مناقشات کلام سیاسی بر رقابت‌های سیاسی در دوره تثبیت (سال‌های ۶۸ ـ ۶۰) را صورت‌بندی نماید.

چارچوب نظری

چارچوب نظری مقاله، مدلی است که در آن از دیدگاه‌های دیوید ساندرز به‌صورت گزینشی ـ و نه تام و تمام ـ الهام گرفته و با دخل و تصرف بهره برده شده است. در این مدل با استشهاد به نظریات ساندرز و برخی ابداعات، می‌توان مجموع مقاله را پوشش داد.

دیوید ساندرز در برشمردن چهره‌های بی‌ثباتی از پنج پیامد تغییر رژیم، تغییر حکومت، تغییر جامعه، چالش‌های خشونت‌آمیز و چالش‌های مسالمت‌آمیز همراه با شاخص‌ها و مصادیقی نام می‌برد (ساندرز، ۱۳۸۰: ۱۲۷ ـ ۱۲۶) که با الغای خصوصیت، دخل‌وتصرف و اضافه نمودن برخی موارد دیگر برای کامل‌تر شدن، می‌تواند برای این تحقیق راهگشا باشد.

در این مقاله، چالش‌های مسالمت‌آمیز و چالش‌های خشونت‌آمیز، نقش اصلی را دارند. ضمن آن‌که تأثیر به دو گونه مستقیم و غیرمستقیم قابل تصور است. تأثیرگذاری مستقیم می‌تواند حداکثری ـ به معنای حداکثر تقارب و تقارن مستقیم ـ یا حداقلی ـ به معنای حداقل تقارب و تقارن مستقیم ـ باشد.

اما تأثیر غیرمستقیم تأثیری است که اثرگذاری و اثرپذیری با واسطه صورت می‌گیرد؛ تأثیرگذاری غیرمستقیم را نیز می‌توان به دو شکل تأثیر غیرمستقیم حداکثری و تأثیر غیرمستقیم حداقلی تقسیم‌بندی نمود.

مفاهیم

۱. کلام سیاسی

کلام سیاسی با ایدئولوژی سیاسی متفاوت بوده و هنوز شکل منظم و دقیقی نیافته است و از دو بخش کلام سنتی و کلام جدید تشکیل می‌شود. در تعریف کلام در میان عالمان این علم ـ در قدیم و اکنون ـ همگونی وجود ندارد (فارابی، ۱۹۹۶: ۸؛ صدوق، ۱۳۷۱: ۴۵؛ مفید، ۱۳۷۲: ۹؛ ایجی [۱۳]: ۷؛ لاهیجی، ۱۴۳۰: ۵؛ مطهری، بی‌تا:۳۰ و ...)، در تعریف و رویکرد به کلام جدید نیز نگرش‌های متفاوتی موجود است. (مجتهد شبستری، ۱۳۸۴: ۱۸۸؛ قراملکی، ۱۳۷۸: ۱۲۰ ـ ۱۱۹؛ واعظی، ۱۳۷۵: ۱۰۰ ـ ۹۷؛ سبحانی، ۱۳۸۲: ۱ / ۹ ـ ۷ و ...) به نظر می‌رسد در میان تعاریف، تعریف علم کلام به علمی که دفاع عقلانی از اعتقادات دینی را متکفل است، دور از واقعیت نمی‌باشد. مقصود از «عقلانی» معنایی موسع است، به‌طوری که استناد به نقل را نیز ـ در صورتی که اصل استناد توسط عقل، تصحیح و توجیه شده باشد ـ شامل می‌شود. مقصود از «دفاع» نیز امری است، اعم از «اثبات»، «تقویت» و «توجیه» و اعم از «تبیین» و «تفسیر» مفاهیم دینی. بدین‌روی باید توجه داشت که کلام، هم ماهیتی دفاعی، هم واسطه‌ای و هم تبیینی دارد، چنان‌که برخی صاحب‌نظران بر این رأی می‌باشند. (قراملکی، ۱۳۷۸: ۱۲۰) در کلام جدید نیز این مقاله میان مقام تعریف و تحقق تمایز قائل است.

برای کلام سیاسی، تعاریف اندک اما متفاوتی وجود دارد. (بهروزلک، ۱۳۸۲: شماره ۲۸: ۱۰۵ ـ ۷۹؛ خسروپناه، ۱۳۸۲: ۵۰۴ و ۵۰۹) اما بر پایه مطالب پیش‌گفته، تعریف مختار از کلام سیاسی عبارت است است از: فهم، تبیین، اثبات،

کارآمدسازی و دفاع از آموزه‌های کلان و نظام اعتقادی و ایمانی سیاسی که با روش‌های گوناگون عقلی و نقلی و با دغدغه دینی صورت می‌گیرد.

۲. رقابت سیاسی

در اکثر لغت‌نامه‌ها و فرهنگ‌ها، رقابت و رقیب هم‌طراز یکدیگر توضیح داده شده است. برخی رقابت را نوعی هم‌چشمی کردن همراه با نگهبانی و مراقبت از مواضع و عملکرد رقیب دانسته‌اند. (معین، ۱۳۸۳: ۱۶۶۶) فرهنگ عمید، رقابت و رقیب را در دو ستون بررسی کرده است. ذیل رقابت، نگهبانی کردن، انتظار کشیدن، چشم داشتن بر چیزی، هم‌چشمی کردن و چشم‌داشت را آورده است. (عمید، ۱۳۷۹: ۷۰۴) براین‌اساس می‌توان عنوان کرد که رقابت سیاسی، نوعی نقد و محافظت و مترصدِ رقیب‌بودن در اداره کشور و کسب قدرت است تا هرگاه دچار خطا یا اشتباهی گردید آن را عیان سازد.

۳. جریان‌ها و احزاب سیاسی در دوره تثبیت جمهوری اسلامی ایران

دوره تثبیت، دوره‌ای است که پس از تلاطمات و بی‌ثباتی‌های سه‌سال نخستین انقلاب، با حاکمیتی یگانه مواجهیم. دوره‌ای که در آن با استمرار وضعیت روبه‌روییم و شاهد دو دوره پاینده ریاست جمهوری و نخست وزیری و استقرار و تکامل نهادهای برآمده از انقلابیم. این دوره اگرچه مقارن با هشت‌سال جنگ و دفاع مقدس است اما محدود بدان نیست و مهم‌ترین ویژگی آن شکل‌گیری وضعیت ثبات است که از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸ را دربر می‌گیرد.

برخی از وجود چهار جناح در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ سخن گفته‌اند. جناح‌های لیبرال، حزب الله، میانه، و جناح چپ. (برزین، ۱۳۷۷: ۴۷) برخی دیگر این دوره را دوره انفعال و محدودیت نامیده‌اند که تقسیم‌بندی در طیف مذهبی و تقسیم آن به راست و چپ مذهبی رخ می‌دهد. (اکبری، شماره ۴۷: ۱۳۸۸) برخی از چپ و راست مکتبی در دهه ۶۰ تا ۷۶ گفته‌اند. (علی‌آبادی، ۱۳۸۸: ۵۸) بعضی دیگر از دوران دفاع مقدس با حاکمیت چپ سنتی و تضاد چپ سنتی و راست سنتی (بهروزلک و صفایی‌زاده، ۱۳۸۹: شماره ۲۳) سخن به میان آورده‌اند. پاره‌ای دیگر گفته‌اند که پس از سال ۶۰، دو جناح اسلام سنتی و اسلام چپ‌گرا موجودیت می‌یابند. (جوادزاده، ۱۳۸۹: شماره ۴) کتاب *جریان‌شناسی سیاسی در ایران در دهه ۶۰* از دو جناح راست و چپ سنتی (دارابی، ۱۳۸۸: ۵۳۷) نام می‌برد. کتاب *اسلام سیاسی در ایران ۶۰ تا ۷۶، ایران* را صحنه تقابل دو گفتمان اسلام سیاسی رادیکال و اسلام سیاسی محافظه کار دانسته است. (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۳۵۹)

براین‌اساس همان‌گونه که اکثر نظرپردازان اذعان کرده‌اند، دو جناح چپ اسلامی و راست اسلامی، دو جناح عمده و حاکم، در دوره تثبیت هستند. البته غلبه با چپ اسلامی بوده و مسندهای عمده اجرایی، تقنینی و قضایی در اختیار این جناح بوده است.

زمینه‌های تأثیرگذار بر مناقشات کلام سیاسی در دوره تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران

۱. زمینه‌های ذهنی

الف) تراث کلام سیاسی

در این دوره، راست مذهبی، بیشتر نگاه حفظ‌گرایانه و احیاگرایانه به تراث دارد و دلواپسانه بدین تراث می‌نگرد و در تلاش است تا آن را تا آنجا که ممکن است، از آثار تجدد، دور نگاه دارد. چندان که تجدد و مدرنیسم و مدرنیته را به‌رسمیت نمی‌شناسد و از باب ضرورت و تأثیر قهری آثارش با آن مواجه می‌شود و از چالش با آن استقبال نمی‌کند.

درحالی‌که چپ مذهبی نگاه بازسازانه و نوسازانه ـ البته با رویکرد عدالت‌خواهانه ـ به تراث کلام سیاسی اسلامی دارد. تجدد را تا حدودی به‌رسمیت می‌شناسد و از چالش با آن استقبال می‌کند. در میان بزرگان جمهوری اسلامی، سید محمد بهشتی را ـ علی‌رغم حالت پدرانه‌اش نسبت به طیف‌های متنوع اسلام‌گرایان ـ می‌توان پدرخوانده چپ اسلامی به‌لحاظ اندیشه‌ای دانست. مطهری را نیز ـ علی‌رغم تفاوت‌های فکری‌اش با جناح راست ـ می‌توان نزدیک به جناح راست محسوب کرد. منتظری در میانه ایستاده و هاشمی رفسنجانی نیز اصولاً عمل‌گرایی است که در این دهه به چپ مذهبی نزدیکی بیشتری دارد.

ب) ایدئولوژی‌های رقیب درونی

در این دوره اصلی‌ترین ایدئولوژی‌های رقیب درونی، همان دو جناح چپ و راست مذهبی هستند که از دل اسلام‌گرایان سیاسی برون آمده‌اند. البته اسلام‌گرایانِ تابع غیر امام، لیبرال‌های اسلامی، سوسیالیست‌های اسلامی و جریان خیابانی حزب‌الله نیز حضور دارند. در این دوره دوگانه فقه سنتی و فقه پویا، میدان‌دار مباحث نظری گروه‌های درون حاکمیت بود. طرف‌داران فقه سنتی به‌دنبال فقهی ناب، خالص و اصیل می‌گشتند و از تغییر و برقراریِ نسبت تعریف شده با مباحث و مبانی تجدد که در حال فراگیری بود، حذر می‌کردند. اینان دایره تأثیرگذاری زمان و مکان در اجتهاد را ضیق و کوچک می‌دیدند و نگران عبور از مصادر سنتی و تاریخی فقه و شیوه استنباطی مألوف حوزه بودند، مجله نور علم ارگان تئوریک این نحله به‌شمار می‌آمد.

در مقابل، طرف‌داران فقه پویا فقهی ناب، خالص و اصیل را ناممکن و نامطلوب می‌انگاشتند و ارمغان چنین تأکیدی را جمود و سکون می‌دانستند. از دیدگاه اینان فقه ذاتاً امری متطور است. این گروه ضمن تقید به منابع فقهی و روش استنباطی فقه، بر آن بودند که می‌باید برخی مکانیزم‌های درون‌فقهی مانند عقل، سیره عقلا، عرف، و ... را توسعه داد. مجلات *حوزه* و *کیهان اندیشه* نیز ارگان تئوریک این نحله بودند.

گفتمان‌های لیبرال اسلامی و سوسیالیسم اسلامی در این دوره، در فضای فکری، ظهور و بروز چندانی ندارند. البته گفتمان لیبرال اسلامی حضور بیشتری دارد و کتاب‌هایی را نیز به رشته تحریر درمی‌آورد.

ج) ایدئولوژی‌ها و نظریه‌های تأثیرگذار بیرونی

در این دوره، سویه‌های سوسیالیستی، یکی از ایدئولوژی‌های مسلط جهانی می‌باشد که در فضای ایران نیز با توجه به زمینه‌های موجود مؤثر است. این ایدئولوژی بر جناح چپ مذهبی ـ که مصادر اصلی حاکمیت به‌ویژه دولت را در اختیار دارد ـ تأثیرگذار است و اقتصاد مختلط، با غلبه جدی اقتصادِ دولتی، مهم‌ترین جنبه آن است. جلوگیری از انباشت سرمایه، حمایت از مستضعفین با دخالت دولت و کوچک کردن بخش خصوصی، از ثمرات این تأثیرگذاری می‌تواند قلمداد شود.

لیبرالیزم به شکل منفی بر فضای سیاسی تأثیرگذار است، بدین معنا که اتصاف بدان یا خوردن برچسب لیبرال، موجب فشار سیاسی است. از این جهت جناح چپ سعی در اتصاف جناح راست به داشتن تفکرات کاپیتالیستی و حمایت از سرمایه‌داری ـ که یکی از وجوه لیبرالیزم است ـ دارد. البته از نیمه دهه ۶۰ به آن‌سو و با بروز برخی بحران‌ها یا تشدید بحران‌ها، به‌تدریج از فضای متمایل به سوسیالیزم کاسته شد و تمایل به لیبرالیزم در برخی اعضای هیئت دولت و سایر نهادها افزایش یافت. این تمایل جدید نیز با تئوری‌پردازی‌های سروش و شبستری پشتیبانی می‌شود. البته لیبرال دموکراسی هم‌چنان به‌عنوان یکی از الگوهای الهام‌بخش لیبرال‌های اسلامی به رهبری نهضت آزادی محسوب می‌شود.

انترناسیونالیزم یکی از شبه‌ایدئولوژی‌های مؤثر در این برهه است که با توجه به ادبیات دینی و راهبرد امت‌محوری به فضای انترناسیونالیزم اسلامی دامن می‌زند و با آن هم‌افزایی دارد.

نمودار (۳ ـ ۲): زمینه‌های ذهنی تأثیرگذار بر مناقشات کلامی سیاسی دوره تثبیت

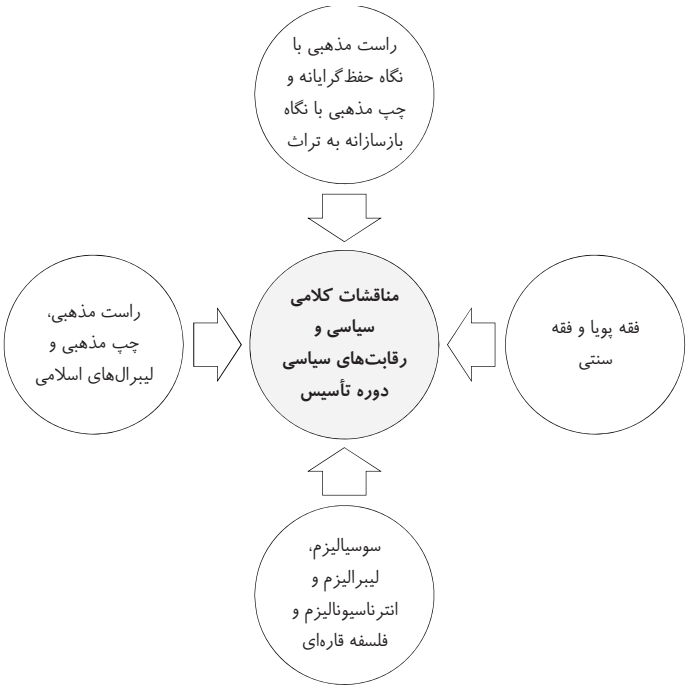

۲. زمینه‌های عینی

الف) از نظر سیاسی

طی سال‌های ۶۰ تا ۶۸، اقتدار رهبری امام با ترکیبی از عناصر عقلانی، سنتی و فرهمندی ادامه داشت و ساختار دولت، دولتی ایدئولوژیک را نشان می‌داد. در این دوره شاهد ائتلاف طبقه متوسط سنتی و طبقه پایین هستیم که حامی دولت و ارزش‌های حکومت است. اما با یک‌دست شدن حاکمیت، از همان ابتدا شکاف‌هایی پنهان، میان اسلام‌گرایان سیاسی به‌وجود آمد و سپس به آشکارگی رسید. این اختلافات از اقتصاد آغاز و به عرصه‌های دیگر سرایت کرد و به‌تدریج گسترش یافت و منجر به پدیداری دو جناح راست و چپ (میرسلیم، ۱۳۸۴: ۶۲۵) در اردوگاه اسلام‌گرایان گردید. جناح راست مذهبی که علمای حوزوی و سابقه‌دار را در خود جای داده بود، به دولت حداقلی و کاهش دخالت آن در بازار، تقویت و آزادیِ بخش خصوصی، تطبیق قوانین با فقه سنتی، سیاست خارجی سازگارانه‌تر و سیاست فرهنگی بسته اعتقاد داشت. جناح چپ مذهبی نیز که بیشتر از طلاب جوان و دانشجویان انقلابی شکل گرفته بود، به دولت حداکثری، دخالت تام دولت در بازار، فقه پویا و تطبیق قوانین با احکام حکومتی و ثانویه در کنار احکام اولیه معتقد بود.

در این دوره، چپ مذهبی بر سه قوه حاکمیت نسبی دارد و راست مذهبی شورای نگهبان را در اختیار دارد. رحلت امام خمینی که لنگر بزرگ تعادل نظام بود، پایان‌بخش این دوران است.

ب) از نظر فرهنگی

در این دوره بحث اسلامی‌سازیِ فرهنگی شدت گرفت اما به شکل رادیکال دنبال نشد. چنانچه امام با جداسازی دختران و پسران مخالفت کرد. (پایگاه اطلاع‌رسانی جماران، ۱۹ / ۰۴ / ۱۳۹۰) اما توجه به اخلاق اجتماعی پی‌گرفته شد. مباحث فیلم، سینما، تلویزیون و هنر تغییر وضعیت داد و توجه به معیارهای اسلامی جدی بود. با این حال نوع مواجهه امام متفاوت بود. چنانچه تأیید امام بر سریال پاییز صحرا، موضوع موسیقی و شطرنج (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۲۱ / ۱۲۹) بازتابی از این تفاوت نگرش است.

ج) از نظر اقتصادی

در این دوره نگرش‌های اقتصادی، محور عمده‌ای در جناح‌بندی سیاسی به حساب می‌آمد. چیستی اقتصاد اسلامی، بانک‌داری بدون ربا و ... مورد بحث جدی قرار می‌گرفت. کوپن و سوبسید از نمادهای اقتصادی مهم این دوره است. پیشرفت‌های خوب در صنایع کوچک و دفاعی، مراقبت‌های بهداشتی، راه‌سازی، برق‌رسانی و آب‌رسانی صورت گرفت. فقرا تحت حمایت جدی قرار گرفتند و استقراضی از خارج صورت نگرفت. اما سرانه بودجه دولت ۳۰ درصد کاهش یافت. رشد اقتصادی مناسبی به وجود نیامد. نرخ بیکاری افزایش یافت. فاصله طبقاتی برجا ماند و جنگ ۹۷ میلیارد دلار (شفیعی، ۱۳۸۹: ۴۲۲) خسارت مادی زد.

د) از نظر اجتماعی

در این دوره طبقه متوسط رشد بیشتری کرد و فربه‌تر شد. شهرنشینی از ۳۵ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۴۷ درصد در سال ۱۳۶۵ رسید. (فوزی، ۱۳۸۴: ۲ / ۱۶۲ ـ ۱۵۷) میزان سواد، افزایش چشم‌گیری یافت. تحصیلات عالیه فراگیر شد. بر میزان بروکراسی دولتی و تعداد بروکرات‌ها افزوده گشت و به‌تدریج سطح رفاه‌خواهی بالاتر رفت و سبک زندگی دچار تغییر قابل لمس گردید. این تغییرات اجتماعی تأثیرات خاص خود را بر ساحت سیاست نیز برجا می‌گذاشتند.

ه) از نظر سیاست خارجی

در این دوره هم‌چنان نه شرقی نه غربی محور است. در همان حال که چالش اساسی با آمریکا است، حزب توده که تحت حمایت شوروی است، منحل شده و اعضای آن دستگیر می‌شوند. در جهت گسترش دایره تأثیر انقلاب اسلامی و افزایش چالش‌های ابرقدرت‌ها، سیاست بسط محور انقلابی برای صدور انقلاب صورت می‌گیرد. حضور ایران در لبنان و پایه‌گذاری حزب‌الله لبنان از سویی و حضور در افغانستان و هدایت برخی گروه‌های جهادی، نمونه این حرکت است. اجرای مراسم برائت از مشرکین، یکی دیگر از جلوه‌های این سیاست است که حکومت آل سعود در برابر آن اقدام به واکنش خشونت‌بار می‌کند.

نمودار (۳ ـ ۳): زمینه‌های عینی تأثیرگذار بر مناقشات کلامی سیاسی دوره تثبیت

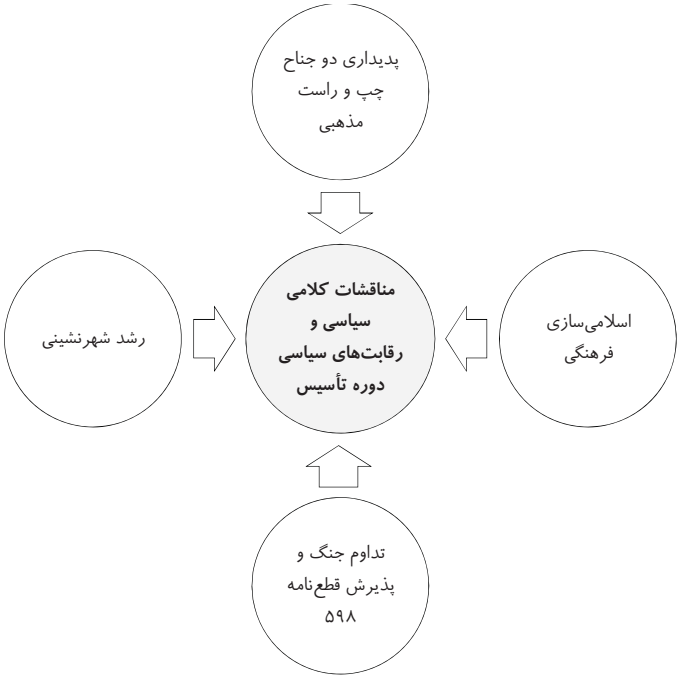

صورت‌بندی مناقشات کلام سیاسی در دوره تثبیت

در دوره تثبیت با توجه به غلبه گفتمانی و سیاسی اسلام‌گرایان خط امام، از میزان مناقشات فعال کلام سیاسی کاسته می‌شود و البته بر کیفیت مناقشات و گسست‌های کلامی سیاسی در میان اسلام‌گرایان افزوده می‌شود که در ذیل بدان اشاره می‌گردد.

۱. اسلام و عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی، به‌معنای کاهش نابرابری‌ها (تقوایی و قنبری، ۱۳۸۵: ۱۰۰ ـ ۹۹) و توزیع اخلاقی قابل دفاع سودها یا پاداش‌ها در جامعه (هیود، ۱۳۸۳: ۴۴۰) به کار برده شده است. براین‌اساس نقطه کانونی آن، چگونگی توزیع منابع اجتماعی و اقتصادی در جامعه است که بر این اساس عدالت اجتماعی معادل عدالت توزیعی است.

بر این پایه در این برهه، اختلاف بر سر نوع تفسیر اسلامی از عدالت اجتماعی است. دیدگاهی عدالت را در چارچوب منابع و احکام سنتی دینی قابل تحقق می‌داند و رهیافتی این امکان را متصور نمی‌بیند. طرف‌داران فقه سنتی در حیطه عدالت اجتماعی، احکام اولیه و نگرش سنتی به منابع را برای نیل به عدالت اجتماعی کافی می‌دانستند اما طرف‌داران فقه پویا آن را ناکافی شمرده و نگرش جدید را خواستار بودند. امام خمینی نه تنها جانب‌دار بلکه نظریه‌پرداز فقه پویا در عرصه عمل بود اما در گفتار، جانب میانه را ـ در جمع فقه سنتی و پویا ـ به‌گونه‌ای صادقانه و البته کارکردگرایانه برگزیده بود.

مجله *حوزه* ـ که پایگاه تئوریک طرف‌داران فقه پویا است ـ برآن است که اصول و قواعدی که در شرایط عزلت فقه، ابزار دست فقیه است، مناسب شرایط حاکمیت فقه نیست و باید در نوع به کارگیری آنها به سود عدالت اجتماعی، تجدیدنظر شود. (مجله حوزه، ۱۳۶۷: ش ۲۸)

از نظر امام، مقصد بزرگ اسلام، برقراری عدالت اجتماعی و رفع اختلاف طبقاتی است. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱ / ۱۹۸ و ۳ / ۲۲۲) ایشان تلاش دارد تا ضمن پررنگ ساختن بعد مبارزه با سرمایه‌داری، میان آن و حفظ بخش خصوصی تعادلی ایجاد نماید. (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۸۱)

در مقابل جناح راست اسلامی، چپ اسلامی را به تأثیرپذیری از تفکرات کمونیستی و سوسیالیستی متصف کرده و به دفاع از بخش خصوصی ـ که آن زمان سرمایه‌داران خوانده می‌شد ـ می‌پردازد. مانند قانون کار که تحمیل شروط بر کارفرما را ناروا می‌دانست، یا در تقسیم اراضی به شدت با آن و بند جیم قانون شورای انقلاب که مربوط بدان بود، مخالفت می‌ورزید. (خواجه سروی، ۱۳۸۷: ۵۸) حتی برخی از جناح راست، از همان ابتدا با نظام تعاونی مندرج در قانون اساسی موافقتی نداشتند و بر آن بودند که اسلام خود دارای مسیرهای دسترسی به عدالت است. (آذری قمی، ۶ / ۴ / ۱۳۶۴)

۲. اسلام و کارآمدی

در این دوره اگرچه عنوان کارآمدی در ادبیات سیاسی چندان به‌چشم نمی‌خورد اما مفهوم و عناوین هم‌عرض آن مانند توانایی اسلام، حل معضلات، پویایی و ... بسیار مورد توجه است. کارآمد در لغت، کسی است که کارها را به نیکویی انجام دهد. (دهخدا، ۱۳۷۷: واژه کارآمد) تعاریف مختلفی از کارآمدی وجود دارد که هسته مرکزی مشترکی دارد. تحقق عینی یا توان نظام در تحقق کارکردهای اساسی یک حکومت، به‌گونه‌ای که بیشتر مردم و گروه‌های قدرتمندِ درون نظام، آن را مشاهده کنند. (زاهدی و الوانی، ۱۳۸۳: ۱۱۱)

یکی از دغدغه‌های مهم در دهه اول انقلاب و دوره تثبیت، کارآمدی نظام و نسبت آن با اسلام و نظریه‌پردازی‌های دینی بود. طرح و برجسته‌سازی مفهوم زمان و مکان در اجتهاد و نیز فقه پویا را در همین جهت می‌توان ارزیابی کرد. امام خمینی بر کارآمدی نظام اسلامی تأکیدی اساسی داشت؛ ایشان بر نقش زمان و مکان در اجتهاد تأکید مؤکد کرده و تکیه بر تئوری‌های صرف طلبگی را به‌جهت عدم کارایی آن نابسنده می‌شمارد. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۲۱ / ۲۱۸)

امام توجه به جنبه عملی فقه و نوعی رویکرد عمل‌گرایانه بدان را خواستار است. (همان: ۲۸۹) ایشان ابتنای بر رساله عملیه، برای اداره حکومت و دولت را نادرست و نابسنده می‌داند و آن را به نقد می‌کشد و به مدرسین حوزه نسبت بدان هشدار داده و آنها را برحذر می‌دارد. (همان: ۶۱۶) اما جناح راست مذهبی عملاً به نوعی اجتهاد حداقلی در سطوح کمی و کیفی قائل است. در مقابل، وفاداری حداکثری به نصوص و فتاوای پیشین را مدنظر دارد.

مسئله دیگر که در کارآمدی ریشه داشت، بحث مصلحت بود. در این دوره از دیدگاه چپ مذهبی و امام خمینی، کارآمدی دائر بر مدار مصلحت است. بدین خاطر مجلس بر مصلحت‌های اجتماعی تأکید داشت اما شورای نگهبان به‌عنوان نهادِ در اختیار جناح راست، مجرای آن را تنگ می‌نمود. اعتراضات جناح راست و نامه لطف‌الله صافی به امام در همین راستا قابل ارزیابی است. امام در همین جهت بر آن بود که مصلحت امری مهم در جهت حل معضلات است. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۲۰ / ۴۶۵ ـ ۴۶۴) ایشان در راستای کارآمدی دینی برآن بود که حکومت می‌تواند در موضوعات بر پایه مصالح کلی عمل کند. (همو، ۱۳۷۰: ۴ و ۱۶) اما در سوی دیگر، نهضت آزادی تشخیص مصلحت را امری جمعی و نه فردی و براساس رجوع به آرای مردم می‌داند. (نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۷: ۵۷)

۳. مشروعیت حکومت و حاکمیت مردم در اسلام

درباره نقش مردم در شکل‌گیری مشروعیت حکومت اسلامی از دیدگاه امام، هریک از طرف‌داران دیدگاه نصب، انتخاب و مشروعیت دوگانه، به بخشی از بیانات امام استناد کرده و ایشان را مدافع آن نظریه برشمرده‌اند. در مجموع می‌توان گفت که امام از نظریه مشروعیتِ نصبِ عنوانی حمایت می‌کند. یعنی در زمان غیبت، عنوان عالم عادل، مشروعیت پیدا کرده است و هرکس این عنوان را داشته باشد، دارای مشروعیت است اما چون توالی همه آنها باهم موجب هرج‌ومرج است، هرکسی را که مردم انتخاب نمودند، او ولی برمردم است. براین اساس امام به نوعی از مشروعیت الهی مردمی نزدیک شده است. (جمشیدی، ۱۳۸۵: ۶۵۹ ـ ۶۲۱؛ فراتی، ۱۳۸۰: ۱۲۰ ـ ۱۰۹؛ فوزی، ۱۳۸۴: ۹۶ ـ ۹۰)

یکی از گزاره‌های مهم چپ اسلامی در دهه ۶۰، مفهوم «ولایت مطلقه فقیه» است که مهم‌ترین واضع و بیان‌کننده آن امام خمینی است. می‌توان گفت که مفهوم اطلاق در ولایت مطلقه فقیه، دربرگیرنده دو عنصر «تساوی اختیارات حکومتی پیامبرﷺ و امامان معصومﷺ با اختیارات حکومتی ولی‌فقیه» و «عدم تقیید به احکام فرعی الهی» است. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۲۰: ۴۵۲)

در مقابل، نهضت آزادی برآن است که ولایت مطلقه فقیه یک اصل یا نظریه فقهی ـ سیاسی بدیعی است که از اصالت و اعتبار کافی برخوردار نیست. (نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۷: ۲۳) بیانیه نهضت آزادی با تفاوت گذاردن میان حکم و موضوع، حکم را متعلق به پیامبرﷺ و موضوع را متعلق به تمامی مسلمانان می‌داند که نظر فقیه همانند یکی از آنان است. نهضت آزادی، ولایت مطلقه فقیه را مترادف با مهجوریت مردم و حاکمیت «مایرید» و «فاعلیت مایشاء» و عدم مسئولیت «عما یفعل» می‌داند. (همان: ۲۸)

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، مسئله ولایت فقیه و رهبری دینی را از زاویه امامت در تفکر شیعه بررسی می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که امامت و رهبری، یکی از اصول دین و ارکان مذهب تشیع است و ولایت فقیه در عصر غیبت، ادامه‌دهنده همان راه امامت در تفکر شیعی است. (فوزی، ۱۳۹۱: ۹۸) محمد مؤمن بر آن است که: «بیعت، ارزش شرعی ندارد و محقق ولایت نیست». (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۹: ۱۲۵۶ ـ ۱۲۵۵)

از نظر آذری قمی و ارکان جامعه مدرسین، اوامر ولی‌فقیه قابل تقسیم به دوگونه ولایی و ارشادی است. اوامر ارشادی لازم‌الاتباع نیست اما اوامر ولایی لازم‌الاتباع است. (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۴ / ۵ / ۱۳۶۳) در آن زمان از نظر راست اسلامی، ولی‌فقیه تنها در محدوده ضرورت امکان جعل حکم را دارد و به مقتضای مصلحت نمی‌تواند جعل حکم کند. (آذری قمی، ۱۳۶۴: ۳۸) البته ظاهراً به‌نظر می‌رسد که دیدگاه آذری قمی و تا حدودی عموم جامعه مدرسین، از سال ۶۶ به بعد، به تبع امام دچار تغییراتی می‌شود.

۴. آزادی در اسلام

یکی از مناقشات مطرح میان لیبرالیزم اسلامی با جناح‌های حاکمیت در این دوره بحث آزادی است. در این برهه، نهضت آزادی بر آزادی سیاسی و اجتماعی تأکید بسیار دارد. درحالی‌که در ادبیات سیاسی جناح‌های حاکمیت، یعنی راست و چپ مذهبی، طنینی پرصدا ندارد.

از دیدگاه نهضت آزادی، مختار بودن و آزادی انسان در امر دین، به‌معنای مجاز بودن کفر و معصیت و مساوی شناختن ایمان با کفر، یا اطاعت با معصیت نیست. از منظر نهضت آزادی از آنجا که انسان خلیفه خداست، آزادی، امانت و احترام خداوند نسبت به انسان است.

از این منظر آزادی روندی دوطرفه است که با حقوق فرد و دیگران مرتبط است. انسان یا جمع و جامعه‌ای، حق تجاوز به حقوق دیگران را ندارد. دیگران نیز حق تجاوز به حقوق افراد و جامعه را ندارند. (نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۷: ۴۰) نهضت آزادی در همین جهت بر وجه غیراجبارآمیز و وجوه اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر تأکید دارد.

صورت‌بندی تأثیر مناقشات کلامی سیاسی بر رقابت‌های سیاسی دوره تثبیت

۱. تغییر رژیم

تغیر رژیم در این دوره از سوی جریان‌های مطرح داخل کشور وجود ندارد. البته مجاهدین خلق را شاید بتوان در زمره براندازان اصل رژیم سیاسی قلمداد کرد.

۲. تغییر حکومت

در داخل کشور از سوی لیبرال‌های اسلامی، به‌لحاظ نظری، مخالفت‌هایی با ولایت فقیه و به‌ویژه ولایت مطلقه صورت می‌گیرد. اما در عمل، آنها خود را در چارچوب قانون اساسی می‌دانند. تنها ماجرای قابل ذکر در این زمینه که شاید دارای ارتباطی غیرمستقیم با برخی مناقشات کلامی سیاسی باشد، کودتای قطب‌زاده است که وی در ارتباط با برخی اطرافیان شریعتمداری ظاهراً درصدد انفجار جماران بودند. (خبرگزاری فارس، ۳۱ فروردین ۱۳۹۴)

۳. چالش‌های مسالمت‌آمیز

الف) چالش‌های مسالمت‌آمیز به صورت مستقیم

یک. چالش‌های مسالمت‌آمیز مستقیم حداکثری (مرام‌نامه‌ها)

در این دوره شکل‌گیری احزاب رسمی متعدد و دارای شناسنامه وجود ندارد. از این‌رو مرام‌نامه‌ها چندان روشن و کامل در دسترس نیستند به‌طور نمونه در مرام‌نامه انجمن اسلامی جامعه پزشکی ایران، ایمان به وحدانیت و حاکمیت الله برکل جهان هستی، جامعیت اسلام، اصل ولایت فقیه در زمان غیبت همکاری با سازمان‌های اسلامی آزادی‌بخش جهان، به مصداق فرموده حضرت علی‌علیه‌السلام «کونو اللظالم خصما و للمظلوم عونا» آمده است. (http://www.aimsi.ir)

در مرام‌نامه انجمن اسلامی معلمان ایران ـ که یکی از گروه‌های تشکیل‌دهنده جناح چپ است ـ بر تکریم شأن و جایگاه انسان جدای از جنسیت، قومیت، زبان، دین و مذهب آنان تأکید شده است. هم‌چنین اعتقاد راسخ به اسلام ناب محمدی‌صلی‌الله‌علیه‌وآله و دوری از تحجر و جزم‌اندیشی در آن، مورد توجه قرار گرفته است. در این مرام‌نامه، احترام به آزادی‌های فردی و اجتماعی به‌ویژه در عرصه‌های فکر، قلم، بیان و عقیده، با رعایت حقوق عمومی و مبانی اسلامی؛ احترام به حقوق مساوی برای تمام مردم کشور و تلاش برای استقرار عدالت فردی و اجتماعی، به صورت برجسته‌ای آمده است. (http://aemi.ir)

در مرام‌نامه خانه کارگر نیز متناسب با مبانی کلامی سیاسی می‌توان از تأکید بر اسلام ناب محمدی‌صلی‌الله‌علیه‌وآله، اعتقاد به ولایت فقیه، نفی هر نوع استثمار و استقرار نظام اقتصادی اسلامی، دفاع از آزادی‌های انسانی و تأکید بر دو اصل تولی و تبری در سیاست خارجی سخن گفت. (مرام‌نامه خانه کارگر جمهوری اسلامی ایران، http://khanehkargar.com)

اما مفصل‌ترین مرام‌نامه، متعلق به دفتر تحکیم وحدت است. در این مرام‌نامه از واژه تشیع سرخ استفاده شده و در بخش اصول کلی، هفت اصل «اعتقاد به مکتب اسلام»، «ایمان به اصول پنج‌گانه مکتب اسلام»، «اعتقاد به اسلام فقاهتی به‌عنوان اسلامی راستین»، «اعتقاد به ولایت فقیه به‌عنوان تبلور اسلام راستین»، «اعتقاد به حقانیت جمهوری اسلامی ایران»، «قانون اساسی» و «اعتقاد به انقلاب فرهنگی» به‌عنوان زیربنای اعتقادی این دفتر آورده شده است.

ذیل خط‌مشی عقیدتی ـ سیاسی، به لزوم ارائه نتیجه تحقیقات عقیدتی به فقها و اسلام‌شناسان، امر به معروف و نهی از

منکر، حمایت همه‌جانبه از روحانیت معتقد به ولایت فقیه، و اعتقاد به وسیله بودن تشکیلات در طول ولایت فقیه تأکید شده است. (مرام‌نامه دفتر تحکیم وحدت، http://tahkimnews.ir)

دو. چالش‌های مسالمت‌آمیز مستقیم حداقلی (مواضع و رویکردها)

در این دوره بیشتر اختلافات رقابت‌انگیز، حول محور مفاهیم کلامی سیاسی‌ای که صورت‌بندی گردید، قابل چارچوب‌بندی است. یکی از مباحث جدی متأثر از مناقشات کلامی سیاسی، به‌ویژه مبحث چگونگی تداوم امامت در دهه ۶۰، نحوه مرجعیت روحانیت در عرصه سیاست بود. جناح راست اسلامی، ظاهراً بر آن بود که مرجع انحصاری برای سیاست‌ورزی روحانیت است. این ایده با مخالفت چپ اسلامی روبه‌رو بود. امام نیز مخالفت نمود و آن را تخطئه کرد و این ایده را از تز عدم دخالت روحانیت در انتخابات، خطرناک‌تر دانست. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۸ / ۳۶۸)

هاشمی رفسنجانی به‌دنبال دیدگاه امام خمینی مبنی بر مردود بودن دخالت انحصاریِ روحانیت، این نظر را عوام‌فریبانه می‌خواند. (هاشمی رفسنجانی، در گزیده خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۶۲)

در سوی دیگرِ تقابل راست و چپ مذهبی، نهضت آزادی قرار داشت که برآن بود که روحانیت، خود را مساوی اسلام پنداشته و درصدد تحمیل دین است. از این‌رو آن را شایسته نقد می‌دانست. (نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۷: ۲۵)

یکی دیگر از محوری‌ترین مباحث و مسائل متأثر از مناقشات کلامی سیاسی در دهه ۶۰ و در میان جناح‌های سیاسی حاکمیت، مقوله اسلام و عدالت اجتماعی بود. در آن دوره چپ اسلامی مخالف سرمایه‌داری و راست اسلامی طرف‌دار سرمایه‌داری و بخش خصوصی شناخته می‌شد. چپ اسلامی به شدت بر ادبیات سرمایه‌ستیزی و مخالفت با بخش خصوصی از سویی و استضعاف‌گرایی و جنگ فقر و غنا از سوی دیگر پا می‌فشرد. در ادبیات امام خمینی نیز این واژگان به وفور به‌چشم می‌خورد. ایشان تلاش دارد تا ضمن پررنگ ساختن بعد مبارزه با سرمایه‌داری میان آن و حفظ بخش خصوصی تعادلی ایجاد نماید. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۸۱)

یکی دیگر از نمودهای بحث‌برانگیز دهه ۶۰ که به دیدگاه‌های کلان کلامی سیاسی در رابطه با قلمرو دین و ماهیت حکومت و نقش زمان و مکان در اجتهاد بازمی‌گشت، رابطه مخارج و هزینه‌های حکومت اسلامی با مالیات‌های اسلامی بود. درحالی‌که طیف راست اسلامی بر مالیات‌های اسلامی مانند خمس و زکات و تبرعات و حداکثر اخذ مالیات در صورت ضرورت، تأکید داشت. امام و چپ اسلامی به اخذ مالیات در صورت مصلحت اعتقاد داشت. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۸ / ۲۵۵) اما جناح راست بر حداکثر تقید به مالیات‌های اسلامی و حداقل خروج از آن تنها در حد ضرورت تأکید دارد. آذری قمی ورود مصلحت در آن را نمی‌پذیرد. (آذری قمی، نور علم، شماره ۱۱، ۵۳) مسئله تجارت خارجی و تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز یکی از نمودهای مناقشه کلامی سیاسی اسلام و کارآمدی است.

ب) چالش‌های مسالمت‌آمیز به صورت غیرمستقیم

یک. چالش‌های مسالمت‌آمیز غیرمستقیم حداکثری

شکل‌گیری احزاب جدید

انشعاب در جامعه روحانیت مبارز و تشکیل مجمع روحانیون مبارز: یکی از نمودهای مهم تأثیرگذاری مناقشات کلامی سیاسی بر رقابت‌های سیاسی، انشعاب در جامعه روحانیت مبارز و شکل‌گیری مجمع روحانیون مبارز است. این انشعاب پس از اوج‌گیری اختلافات در مجلس دوم و در آستانه مجلس سوم اتفاق افتاد. رابطه اسلام با عدالت اجتماعی و کارآمدی، کانون کلامی اختلافات سیاسی بود. نزاع خط امام و غیر آن و دوقطبی برساخته اسلام ناب محمدی ﷺ و اسلام آمریکایی، نمود اختلافات کلامی سیاسی در کنار سایر عوامل در اردوگاه اسلام‌گرایان بود. (ویژه‌نامه روزنامه بیان، ۱۳۷۸: ۱۱؛ امام خمینی، ۱۳۸۵: ۲۱ / ۲۶) در آن زمان نحوه نگرش کلامی به مباحث عدالت اجتماعی که البته در ادامه وجهی فقهی نیز می‌یافت، محور اصلی مناقشات بود. (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۳۲۳)

دو. چالش‌های مسالمت‌آمیز غیرمستقیم حداقلی (تأثیر بر رخدادها و حوادث سیاسی)

در این دوره رویدادهای مختلفی روی داده است که برخی از آنها بی‌ارتباط با مناقشات کلام سیاسی نیستند. تعطیلی انجمن حجتیه ـ که تفسیری محافظه‌کارانه از موعودگرایی و مهدویت داشت و حداقل با رویه‌های انقلابی امام خمینی موافقتی

نداشت ـ یکی از آنها است. امام پس از انقلاب به این انجمن بدگمان بود. بر این اساس ایشان در ۲۱ تیرماه ۱۳۶۲ طی سخنانی که ضمیر آن به انجمن باز می‌گشت، به‌شدت از آن انتقاد نمود. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۷ / ۵۳۴) انجمن حجتیه نیز ـ که تحت فشار شدید قرار گرفته بود ـ در یکم مرداد ماه ۱۳۶۲در بیانیه‌ای از تعطیلی تمامی جلسات و اقدامات انجمن خبر داد. (اعلامیه تعطیلی انجمن حجتیه ۱۳۶۲، ۲۴ فروردین ۱۳۹۵http://www.parsine.com)

تقسیم‌بندی اوامر ولی‌فقیه به اوامر مولوی و ارشادی، در هنگام نخست‌وزیری مجدد میرحسین موسوی که با مخالفت ۹۹ تن از نمایندگان منسوب به جناح راست به رهبری آذری قمی، علی‌رغم نظر موافق امام خمینی ـ که گفته بود «من به‌عنوان یک شهروند، اعلام می‌کنم که انتخاب غیر از ایشان، خیانت به اسلام است.» (ناطق نوری، ۱۳۸۴: ۲ / ۷۵) ـ روبر شد، یکی از این موارد است. آذری قمی در توجیه اقدام نمایندگان مخالف، اوامر ولی‌فقیه را به اوامر مولوی و ارشادی تقسیم کرد. (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی ۱۴ مردادماه ۱۳۶۳)

مسئله بعدی، اختلافات در سازمان مجاهدین انقلاب است. (دارابی، ۱۳۸۸: ۸۱) این اختلافات ریشه در نگرش‌های کلامی سیاسی آنها داشت. اختلاف نسبت به روز کارگر که ناشی از اختلاف در نگرش به مناقشه اسلام و عدالت اجتماعی بود، اختلاف نسبت به دکترشریعتی به‌طوری که عده‌ای شریعتی را التقاطی، منحرف و بدعت‌کار می‌دانستند و عده‌ای دیگر، وی را متفکری دردمند و مصلحی روشن‌بین معرفی می‌کردند. (محسن آرمین، ۴ / ۶ / ۱۳۷۷: ۱۸) همچنین اختلاف بین برخی افراد سازمان با راستی کاشانی نماینده امام، در برخی مسائل از جمله حکم حزبی و حکم فقهی بالا گرفت. در این زمان ۳ گروه در مقابل هم صف‌آرایی کردند. (ظریفی نیا، ۱۳۸۷: ۶۱) و نهایتاً این اختلافات به تعطیلی این سازمان انجامید.

همین مسئله در تعطیلی حزب جمهوری اسلامی نیز رخ داد. حزب جمهوری اسلامی در واقع جبهه‌ای دربرگیرنده نیروهای سیاسی ـ اجتماعی مختلف بود. از این‌رو از همان ابتدا طیف‌بندی‌های مختلفِ برخاسته از تفاوت‌های کلامی سیاسی، در درون آن شکل گرفت.

اما پس از حذف بنی‌صدر و شهادت بهشتی، این اختلافات افزوده شد که ناشی از تفاوت نگرش در زمینه‌های مختلف کلامی سیاسی بود. این اختلافات در مباحث مربوط به رابطه اسلام با عدالت اجتماعی و نظام اقتصادی پررنگ‌تر بود. بدین خاطر حزب به سه گرایش تقسیم می‌شود که تا زمان تعطیلی به حضور خود ادامه می‌دهند. در نهایت در تاریخ ۱۲ تیرماه ۱۳۶۶ رهبران حزب، انحلال حزب جمهوری اسلامی را اعلام کردند.

در انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی درپی تشکیل مجمع روحانیون، بحث اسلام آمریکایی و اسلام ناب محمدی‌ﷺ که امام پیش از این مطرح ساخته بود، تبدیل به سوژه اصلی انتخابات گردید. امام در پیامی به مناسبت انتخابات، از مردم خواسته بود تا به افرادی که طرف‌دار اسلام آمریکایی هستند، رأی ندهند. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۲۱ / ۱۱)

اما یکی از نقاط تلاقی دیدگاه‌های مختلف کلامی سیاسی، بازنگری در قانون اساسی بود. ترکیب شورا نیز دربرگیرنده افرادی از دو جناح حاکمیت بود که تعاطی افکار را فراهم می‌آورد.

ادبیات مربوط به ولایت مطلقه فقیه در شورای بازنگری جالب توجه است. آذری قمی بر عدم وجود هرگونه سازوکار مشورتی تأکید می‌کند. (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ۶۷۳) احمد جنتی نیز با اذعان به مطلقه بودن اختیارات، اما در مصلحتِ آوردن آن در قانون اساسی تردید می‌کند. (همان: ۶۷۶) محمد یزدی با اذعان به اطلاق ولایت، معتقد است که منافاتی میان ولایت مطلقه و قانون وجود ندارد. (همان: ۶۹۴) محمد مؤمن با محدود شدن اختیارات فقیه به‌وسیله بیعت، مخالفت می‌کند و بر آن است که اختیارات ولی‌فقیه عیناً همان اختیارات امام معصوم‌علیهم‌السلام از نظر حکومت است، همان‌طوری که محدود بودن حکومت و ولایت امام معصوم‌علیهم‌السلام خلاف موازین شرعی است. (همان: ۷۰۰)

در سوی مقابل در پاسخ به جنتی، حسین‌هاشمیان به بیعت استناد کرده و معتقد است که نه‌تنها فقیه، که حتی پیامبرﷺ نیز با بیعت مردم امکان اعمال قدرت می‌یابد و پیش از آن توان اعمال قدرت را ندارد... از این‌رو انتخاب خبرگان به معنای بیعت است. (همان: ۶۸۲)

سید هادی خامنه‌ای حل معادله ولایت مطلقه و قانون اساسی را در موافقت ولایت مطلقه با چارچوب‌بندی محدودکننده قانون اساسی و عمل در ذیل آن می‌داند. سید عبدالکریم موسوی اردبیلی به مصلحت استناد کرده و عمل طبق قانون

محدودکننده را مقتضای مصلحت می‌خواند. (همان: ۱۳۷۹)

نکته اختلاف‌برانگیز دیگر، توقیت رهبری است که از آنجا که ولایت فقیه، تداوم امامت دانسته می‌شود، بحث آن است که امکان توقیت آن وجود دارد یا وجود ندارد، که این مسئله امری کلامی سیاسی محسوب می‌شود. در توقیت رهبری اکثریت جناح راست به‌شدت با آن مخالفت کرده و آن را رد می‌کنند. (مهدوی کنی، همان: ۱۲۷۹) به‌طوری که جامعه مدرسین حوزه، نامه‌ای به شورای بازنگری نوشته و در آن ضمن تأکید بر ولایت فقیه، آنها را از توقیت و مدت‌دار کردن رهبری برحذر داشته بود. (همان: ۱۲۴۷)

اما اکثریت جناح چپ به همراه ابراهیم امینی، هاشمی رفسنجانی و امامی کاشانی، از توقیت حمایت می‌کردند. امامی کاشانی برآن است که شرط اعلمیت، شرط محکمی نیست. وی معتقد است برای پیامبرﷺ و امامؑ بیعت، محقق ولایت نیست و مظهر است. اما در ولایت فقیه سرپرستی نافذ با بیعت انجام می‌گیرد. (همان: ۱۲۵۱) ابراهیم امینی با استناد به بیعت با فقیه، امکان بیعت را هم دائمی و هم موقت و مدت‌دار می‌داند. (همان: ۱۲۵۳)

۴. چالش‌های خشونت‌آمیز (تأثیر غیرمستقیم)

الف) تداوم تروریزم

در این دوران مهم‌ترین چالشِ خشونت‌آمیزِ متأثر از مناقشات کلامی سیاسی، تداوم تروریزم مجاهدین خلق است. بمب‌گذاری‌ها و ترورهای مردم و مسئولین توسط آنها همچنان صورت می‌گیرد. اگرچه به جهت انسجام بیشتر نیروهای امنیتی و اطلاعاتی، به‌تدریج از عملیات‌های موفق آنها کاسته می‌شود. تعداد ترورهای مجاهدین در طول دوران ورود به فاز نظامی ۱۵ هزار مورد ذکر می‌شود. (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۴: ۲ / ۸۵)

ب) برخوردهای کلامی و فیزیکی

خشونت‌های کلامی و تلاش‌های حذفی در این دوره نیز جریان دارد. از سویی جناح چپ به عقاید کمونیستی متهم می‌شود. چنانچه واکنش و هشدار امام را در پی دارد. از سوی دیگر جناح راست به حمایت از زالو صفتان و داشتن اسلام آمریکایی که امام، مردم را از آن برحذر داشته بود، متهم می‌شود. به‌طوری که مهدوی کنی از شکایت و گله به امام می‌گوید. (فارس ۲۷ شهریور ۱۳۸۷)

حذف لیبرال‌های اسلامی از همه عرصه‌های رقابت و برخوردهای خاص فیزیکی و غیر فیزیکی با آنها از مصادیق رقابت خشونت‌آمیز در این دوره است. شعار علیه مهدی بازرگان با عنوان مرگ بر بازرگان پیر خرفت ایران در اماکن عمومی به‌ویژه در مدارس از زمره این مسائل است. نهضت آزادی در نامه‌ای به ائمه جمعه خواستار جلوگیری از آن می‌شود. (نهضت آزادی ۸ خردادماه ۱۳۶۱)

ج) حمله به تجمعات

برخوردهای فیزیکی و حمله به افراد و تجمعات، از سوی افراد غیرمسئول، در این دوره وجود دارد. به دفاتر، تجمعات و افراد نهضت آزادی ـ به‌عنوان دگراندیشان مخالف نظام ـ از سوی نیروهای موسوم به حزب‌الله، حمله‌های متعددی صورت می‌گیرد. (nedayeazadi.org)

تجمعات و برنامه‌های جناح راست نیز ـ از سوی هواداران جناح چپ به‌ویژه در دانشگاه‌ها و مساجد ـ با حمله و تهاجم مواجه می‌شود. رفتارهای خاص گروه سید مهدی هاشمی و خشونت‌های برآمده از آن ـ که بیشتر از طریق ترور افرادی که آنان را در خلاف مسیر خود می‌دیدند، انجام می‌گرفت ـ نیز یکی از نمودهای رقابت خشونت‌آمیز و بی‌قاعده در دوره تثبیت است.

نتیجه

نگرشی بر روند حوادث دوره تثبیت، صحت فرضیه مقاله ـ یعنی تأثیر مناقشات کلام سیاسی بر رقابت‌های سیاسی ـ را با توجه به زمینه‌های موجود، نشان می‌دهد. ساختار دولت در سال‌های ۶۰ تا ۶۸ دولتی ایدئولوژیک را نشان می‌دهد. آشکارگی شکاف‌های پنهان میان اسلام‌گرایان سیاسی، پدیداری دو جناح راست و چپ اسلامی و پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸، از زمینه‌های

عینی در این دوره است. راست مذهبی با نگاه حفظ‌گرایانه و چپ مذهبی با نگاه بازسازانه به تراث کلامی سیاسی می‌نگرد، راست مذهبی با فقه سنتی و چپ مذهبی با فقه پویا به همراه اسلام‌گرایان تابع غیرامام، و لیبرال‌های اسلامی، ایدئولوژی‌های رقیب درونی‌اند و سوسیالیزم، لیبرالیزم، انتر ناسیونالیزم و تاحدودی فلسفه قاره‌ای نیز ایدئولوژی‌های رقیب بیرونی در سطح عوامل و زمینه‌های ذهنی‌اند.

دستگاه کلامی سیاسی یکپارچه اسلام‌گرایان سیاسی با خروج رقیبان از صحنه سیاسی و مواجهه با مسائل موجود در جامعه، دچار تشتت گردید. اینک که آنان در مصدر امور قرار می‌گرفتند، باید در دستگاه فکری خود پاسخ‌گوی معضلات می‌بودند. همین مواجهه مستقیم به سرعت این دستگاه کلامی سیاسی را دچار انشقاق نمود. بر اثر بحران در کلام سیاسی، غالب دستگاه‌های مختلف کلام سیاسی پدید آمد. به‌طور مشخص دستگاه فکری چپ مذهبی و راست مذهبی از دل اسلام‌گرایان حاکمیت بیرون آمد. لیبرال‌های اسلامی نیز دستگاه فکری فعال در خارج از حاکمیت است. این سه دستگاه مختلف کلامی سیاسی حول مهم‌ترین موضوعات اختلافی به مناقشه می‌پردازند.

مناقشه کلام سیاسی مشروعیت حکومت و حاکمیت مردم در اسلام در رقابت‌های سیاسی دارای نقش است. به‌گونه‌ای که در بحث پیرامون ولایت مطلقه فقیه در شورای بازنگری قانون اساسی، مرجعیت سیاست ورزی انحصاری روحانیت، مناقشه درتقسیم‌بندی اوامر ولی‌فقیه به اوامر مولوی و ارشادی، اختلاف پیرامون توقیت رهبری در شورای بازنگری قانون اساسی در صول دوره تثبیت مؤثر است.

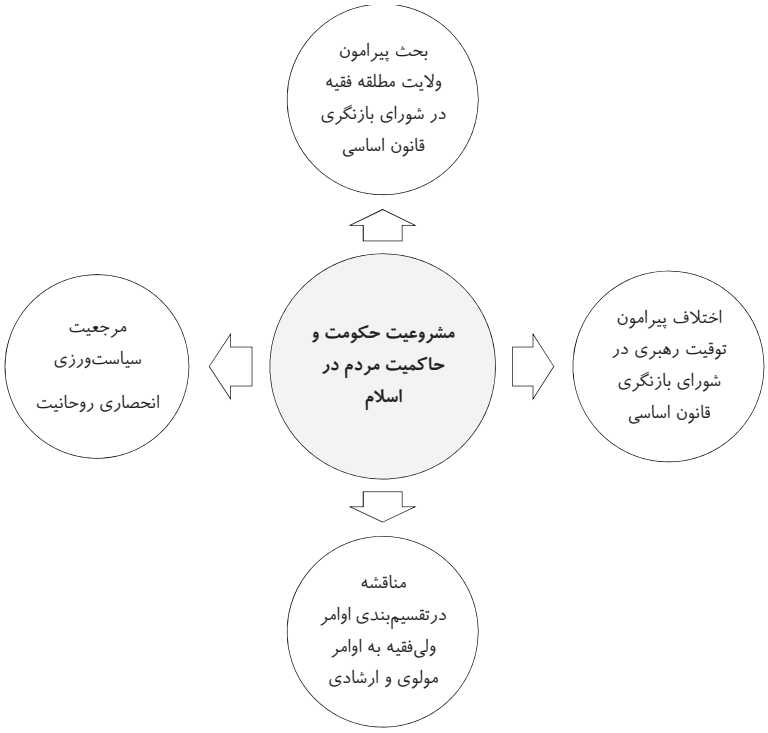

مناقشه اسلام و عدالت اجتماعی نیز در مرام‌نامه خانه کارگر، دوگانه اسلام آمریکایی و اسلام ناب محمدی ﷺ، تعطیلی حزب جمهوری و انشعاب در جامعه روحانیت مبارز، اختلافات درباره مالیات و تجارت خارجی مؤثر است. مناقشه اسلام و کارآمدی در تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام، دوگانه فقه سنتی و فقه پویا، نخست وزیری مجدد میر حسین موسوی، اختلافات درباره مالیات و مرام‌نامه دفتر تحکیم وحدت نقش‌آفرین است.

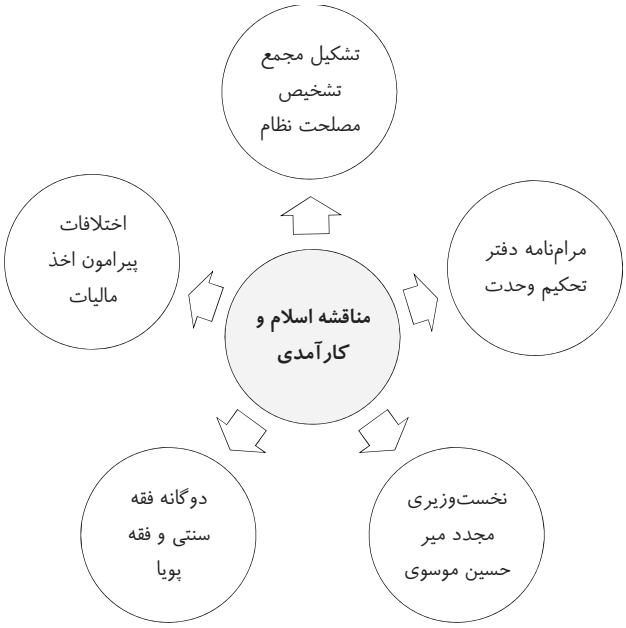

در میان مناقشات کلامی سیاسی این دوره، به‌نظر می‌رسد که مناقشه اسلام و عدالت اجتماعی، اساسی‌ترین مناقشه تأثیرگذار بر این دوره است که به نوعی سایر مناقشات، پیرامون آن شکل می‌گیرند. براساس شکل‌گیری دستگاه‌های کلامی سیاسی، رقابت‌های سیاسی جدید نیز صورت‌بندی می‌شود.

منابع و مآخذ

۱. آذری قمی، احمد، ۱۳۸۶، ***مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی به ریاست آیت‌الله هاشمی رفسنجانی***، دوره دوم، جلسه ۱۵۱، زمان ۱۳۶۴/٤/٦.

۲. آذری قمی، احمد، ۱۳٦٤، ***خط امام و ویژگی‌های آن***، تهران، بنیاد فرهنگی باقرالعلوم.

۳. آذری قمی، احمد، ۱۳۷۱، ***ولایت فقیه از دیدگاه قرآن***، قم، مؤسسه مطبوعاتی دارالعلم، چ ۱.

۴. آذری قمی، احمد، ۱۳۸۶، «احکام مالیات»، ***مجله نور علم***، شماره ۱۱.

۵. ارشادی نیا، محمدرضا، ۱۳۸۶، ***از مدرسه معارف تا انجمن حجتیه و مکتب تفکیک: نقد و بررسی مبانی فکری مدرسه معارف خراسان***، انجمن حجتیه و تفکیک‌گرایان، بوستان کتاب.

۶. اکبری، کمال، ۱۳۸۸، «نقش احزاب در سیاست پس از انقلاب اسلامی»، ***مجله علوم سیاسی***، شماره ٤۷.

۷. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۸۵، ***صحیفه امام***، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۸. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۸۶، ***کتاب البیع***، ج ۲، قم، مؤسسه اسماعیلیان.

۹. امام خمینی، سید روح الله، ۱۳۸۹، ***صحیفه امام***، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱، ۲.

۱۰. امام خمینی، سید روح الله، ***وصیت‌نامه الهی سیاسی امام خمینی***، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۹.

۱۱. ایجی، عضدالدین، ۱۳۸۶، ***المواقف***، بی‌جا، مکتبة المتنبی.

۱۲. برزین، سعید، ۱۳۷۷، ***جناح‌بندی سیاسی در ایران***، تهران، نشر مرکز.

۱۳. بهروزلک، غلامرضا و مرضیه صفایی‌زاده، زمستان ۱۳۸۹، «جریان‌شناسی تحولات سیاسی ـ فکری در جمهوری اسلامی ایران»، ***فصلنامه علمی ـ پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی***، سال هفتم، شماره ۲۳.

۱۴. بهروزلک، غلامرضا و مرضیه صفایی‌زاده، «جریان شناسی تحولات سیاسی ـ فکری در جمهوی اسلامی ایران»، ***مطالعات انقلاب اسلامی***، زمستان ۱۳۸۹، ش ۲۳، ص ۱٦٤ ـ ۱۳۳.

۱۵. تقوایی، مسعود و سیروس قنبری، آذی و دی ۱۳۸۵، «عدالت، اشتغال و امنیت اجتماعی»، ***ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی***، سال ۲۱، شماره ٤ ـ ۳.

۱۶. جمشیدی، محمدحسین، ۱۳۸۵، ***اندیشه سیاسی امام خمینی***، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، چ ۱.

۱۷. جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸٤، ***سازمان مجاهدین خلق؛ پیدایی تا فرجام، شکست فاز اول شورش‌گری اجتماعی***، ج ۲، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ص ۸۵.

۱۸. جوادزاده، علیرضا، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، «نقش هویت ملی ایرانیان در فراز و فرود جریان‌های فکری سیاسی دهه اول جمهوری اسلامی»، ***مجله معرفت سیاسی***، شماره ٤.

۱۹. حسینی‌زاده، سید محمدعلی، ۱۳۸۶، ***اسلام سیاسی در ایران***، قم، انتشارات دانشگاه مفید.

۲۰. خاطرات منتشر نشده دکتر فاطمه طباطبایی و دکتر علی شیخ‌الاسلامی، ***درباره تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها، ماجرای برچیده شدن «دیوار تفکیک جنسیتی» به دستور امام***، پایگاه اطلاع‌رسانی و خبری جماران، ۱۳۹۰/۰٤/۱۹.

۲۱. خواجه سروی، غلامرضا، زمستان ۱۳۸۷، ***خاطرات آیت‌الله مهدوی کنی***، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چ ۲.

۲۲. دارابی، علی، ۱۳۸۸، ***جریان‌شناسی سیاسی در ایران***، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ ۱.

۲۳. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۲۵، ***لغت‌نامه دهخدا***، تهران، دانشگاه تهران، سازمان لغتنامه، شرکت افست.

۲۴. زاهدی، شمس‌السادات، سید مهدی الوانی و ابوالحسن فقیهی، ۱۳۸۳، ***فرهنگ جامع مدیریت***، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.

۲۵. ساندرز، دیوید، الگوهای بی ثباتی سیاسی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، انتشارات پژوهکشده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۰.

۲۶. سبحانی، جعفر، ۱۳۷۵، ***مدخل مسائل جدید در علم کلام***، قم، مؤسسة الامام الصادق علیه‌السلام.

۲۷. ***سخنرانی‌هاشمی رفسنجانی در جمع گروهی از علماء حوزه علمیه مشهد*** (دانشگاه علوم اسلامی) ۱۳۶۵/۵/۳۰.

۲۸. ***سؤال‌های اعضا و جواب‌های مسئولین حزب***، ۱۳٦۳، حزب جمهوری اسلامی، چ ۱.

۲۹. شادلو، عباس، ۱۳۷۹، ***اطلاعاتی درباره احزاب و گروه‌ها و جناح‌های سیاسی در ایران امروز***، تهران، نشر گستره.

۳۰. شفیعی، محمود، ۱۳۸۹، ***جامعه‌شناسی سیاسی ایران***، تهران، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.

۳۱. صدقی، ابوالفضل، ۱۳۸۶، ***جریان‌شناسی انجمن حجتیه***، http://www.irdc.ir

۳۲. صدوق، ۱۳۷۱، ***اعتقادات***، ترجمه سید محمدعلی حسنی، تهران، انتشارات رضوی.

۳۳. ***صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران***، ۱۳٦۹، ص ۱۲۵٦ ـ ۱۲۵۵.

۳۴. ظریفی‌نیا، حمیدرضا، ۱۳۷۸، ***کالبدشکافی جناح‌های سیاسی ایران***، تهران، آزادی اندیشه.

۳۵. علی‌آبادی، گیتا، بهار ۱۳۸۸، «انقلاب اسلامی و گفتمان‌های انتخابات در ایران»، ***فصلنامه رسانه***، شماره ۷۷.

۳۶. فارابی، ۱۹۹٦ م، ***احصاء العلوم***، تقدیم الدکتور علی بوملحم، بیروت، دار و مکتبة الهلال.

۳۷. فراتی، عبدالوهاب، ۱۳۸۰، ***اندیشه سیاسی امام خمینی***، تهران، احیاگران، چ ۱.

۳۸. فرامرز قراملکی، احد، ۱۳۷۸، ***هندسه معرفتی کلام جدید***، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چ ۱.

۳۹. فوزی، یحیی، ۱۳۸٤، ***تحولات سیاسی اجتماعی ایران بعد از انقلاب اسلامی در ایران***، ج ۲، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، چ ۱.

۴۰. فوزی، یحیی، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، «اصول تفکر سیاسی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در دهه اول انقلاب»، ***جستارهای سیاسی معاصر***، سال سوم، شماره ۲.

۴۱. قاضی‌زاده، کاظم، ۱۳۸۶، ***سیاست و حکومت در قرآن***، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ ۳.

۴۲. لاهیجی، عبدالرزاق بن علی بن الحسینی لاهیجی، ۱۳۸۷، *شوارق الالهام فی شرح تجرید الکلام*، قم، مؤسسة الامام الصادق علیه‌السلام.

۴۳. لیپست، سیمور، خرداد و تیر ۱۳۷٤، *مشروعیت و کارآمدی*، ترجمه رضا زبیب، تهران، فرهنگ توسعه، سال چهارم، شماره ۱۸.

۴۴. *متن اعلامیه تعطیلی انجمن حجتیه بعد از سخنان انتقادی امام خمینی* / ۱۳۶۲، ۲۴ فروردین ۱۳۹۵:
http://www.parsine.com.

۴۵. مجتهد شبستری، محمد، ۱۳۸۱، *هرمنوتیک، کتاب و سنت*، تهران، طرح نو.

۴۶. *مجله حوزه*، مهر و آبان ۱۳٦۷، شماره ۲۸.

۴۷. *مجله راه نو*، مصاحبه با محسن آرمین، سال اول، شماره اول، ۱۳۷۷/٦/٤.

۴۸. *مرام‌نامه خانه کارگر جمهوری اسلامی ایران* http://khanehkargar.com

۴۹. *مرام‌نامه دفتر تحکیم وحدت*، http://tahkimnews.ir

۵۰. مرتضی فیروزآبادی، *بازشناسی مبانی فکری انجمن حجتیه*، http://library.tebyan.net

۵۱. *مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی*، سایت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی.

۵۲. مطهری، مرتضی، بی‌تا، *آشنایی با علوم اسلامی، بخش کلام*، درس اول، قم، صدرا.

۵۳. محمد، معین، فرهنگ معین، تهران، بوستان توحید، ۱۳۸۳.

۵۴. معینی، صغرا، ۱۳۷۰، *فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات مدیریت و سازمان*، تهران، وزارت کشاورزی.

۵۵. مکدرموت، ۱۳۷۲، *اندیشه‌های کلامی شیخ مفید*، ترجمه احمد آرام، انتشارات دانشگاه تهران.

۵۶. مهدوی کنی، محمدرضا، ۱۳۸۷، *کتاب خاطرات*، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۵۷. مؤمن، محمد، ۱۳٦٤، «نحوه قانونگذاری در حکومت اسلامی»، *مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس اندیشه اسلامی*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.

۵۸. میرسلیم، سید مصطفی، ۱۳۸٤، *جریان‌شناسی فرهنگی بعد از انقلاب اسلامی ایران (۱۳۸۰ ـ ۱۳۵۷)*، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، تهران، انتشارات باز.

۵۹. ناطق نوری، علی‌اکبر، ۱۳۸٤، *خاطرات حجةالاسلام ناطق نوری*، ج ۲، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چ ۲.

۶۰. *ناگفته‌هایی از توطئه قطب‌زاده*، خبرگزاری فارس، دوشنبه ۳۱ فروردین ۱۳۹۴.

۶۱. «نگاهی دوباره به محکمات خط امام در گفتگو با آیت‌الله مهدوی کنی»، *ماهنامه یادآور، خبرگزاری فارس*، ۲۷ شهریور ۱۳۸۷.

۶۲. *نهضت آزادی ایران*، تفصیل و تحلیل ولایت مطلقه فقیه، فروردین ۱۳٦۷.

۶۳. *نهضت آزادی*، سایت نهضت آزادی، nedayeazadi.org.

۶۴. واعظی، احمد، ۱۳۷۵، «ماهیت علم کلام جدید»، *مجله نقد و نظر*، سال سوم، شماره ۱.

۶۵. *ویژه‌نامه روزنامه بیان*، ۲۲ / ۱۱ / ۱۳۷۸.

۶۶. هیود، اندرو، ۱۳۸۳، *مقدمه نظریه سیاسی*، ترجمه عبدالرحمان عالم، تهران، نشر قومس.

67. http://aemi.ir.
68. http://www.aimsi.ir.